

امام مهدی (عج) در منابع فریقین

□ محمد عمران عبادی*

چکیده

مسأله منجی باوری یکی از اندیشه‌های بزرگی است که در میان همه ملل و نحل وجود داشته و در دین اسلام نیز این باور همگانی به صورت جدی در قالب مهدویت مطرح شده است. مقاله حاضر، با شیوه مطالعات کتابخانه‌ای موضوع را در منابع فریقین (شیعه و سنی) بحث بررسی می‌نماید تا تصویر روشنی از این باور بالنده و فاخر دینی در اختیار خوانندگان قرار دهد. اعتقاد به وجود حضرت مهدی (عج)، حسب و نسب آن بزرگوار، امر ولادت آن حضرت، مسأله غیبت آن جناب و چگونگی ظهور و حکومت عدل جهانی آن سرور، ریز موضوعاتی است که این مقاله آنها را در منابع معتبر هردو مکتب مورد تحقیق و بررسی قرار داده و در پایان به این نتیجه دست یافته که عقیده مهدویت یکی از باورهای اصیل اسلامی است که هرگز به فرقه و مذهب خاصی اختصاص نداشته و بلکه با جزئیات و شفافیت و با تفاوت‌های اندک در منابع شیعه و سنی ذکر شده و بر اهمیت آن تأکید صورت گرفته است و لذا بدون تردیدی می‌تواند یکی از مشترکات امت اسلامی باشد.

واژگان کلیدی: مهدویت، ظهور، رهبریت جهانی، محدثان.

مقدمه

اعتقاد به وجود و ظهور منجی (رهایی بخشی جهانی توسط بزرگ مردی الهی) به نام «مهدی» به عنوان موعود اسلام، مصلح آخر الزمان و منجی بشر در زمین، از اعتقادات راسخ است که بر محور کتاب و سنت استوار است و همه مسلمانان از تمامی فرق و مذاهب فقهی، کلامی و ... در این خصوص اتحاد آراء و اتفاق نظر دارند.

در این نوشتار بر آنیم تا با مراجعه به منابع فریقین به اثبات برسانیم که عقیده بر مهدی موعود از باورهای دینی طرفین است تا گامی باشد در جهت درک و فهم درست و تبیین، ترویج مبانی، محورهای مشترک این دو فرقه قدمی باشد به سوی اخوت و برادری اسلامی در کشور.

با نگاهی به متون و منابع حدیثی فریقین، با دو طایفه از احادیث در این مورد بر می‌خوریم:
الف: طایفه‌ای از روایات و احادیث موضوع مهدویت و منجی موعود را به صورت عام به نمایش می‌گذارد و این امر به کمک قرائن و روایات دیگر، از آن‌ها به گونه کلی استفهام و استنباط می‌گردد.

ب: دسته‌ای دوم، احادیث ویژه‌ای است که فقط بر موضوع مهدویت و شخص حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قابل تطبیق است لاغیر.

در این مقال آن طایفه از احادیث که به صورت خاص و مستقیم در مورد امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرداخته و از مشخصات فردی، خانوادگی و اجتماعی (حکومتی) آن حضرت به گونه‌ی واضح و صریح سخن زده است و نیز نظریات جمعی از علما و دانشمندان طرفین را نیز در ذیل عناوین روایی خواهیم آورد و به تناسب و اقتضای عنوان کلی این دست نوشته، مجموع مباحث را در دو بخش تقسیم می‌نماییم:

۱: حضرت مهدی (عج) در نگاه اهل عامه. ۲. حضرت مهدی (عج) در نگاه اهل خاصه. در نتیجه باور و عقیده هر دو طایفه با استناد به منابع عامه و خاصه آن حضرت (عج)، از نسل ریحانه پیامبر (ص) فاطمه صدیقه و حضرت علی علیهما السلام و منجی عالم است

۱- وجود حضرت مهدی

رهبر جهانی آخر الزمان که در منابع و متون اسلامی به عنوان مهدی منتظر یا قائم آل محمد (ص) معرفی گردیده اختصاص به یگ مذهب از مذاهب ندارد بلکه او موعود همه‌ی مسلمانان و مهدی قاطبه امت اسلامی است، متون و مدارک همه مذاهب و فرق اسلامی اعم از شیعه و سنی، روایات فراوانی را از پیامبر معظم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در خود احتوا نموده‌اند که از مهدی و غیبت و ظهور و حکومت جهانی‌اش سخن می‌گویند و دانشمندان مختلف اسلامی از قبیل مفسران، محدثان، مورخان، نسابگان، مناقب نویسان، زیستنامه نگاران، ادیبان، لغویان و مؤلفان دایره المعارف‌ها هر یک در تألیفات و تصنیفاتشان به احادیث و مباحث مرتبط با این موضوع پرداخته‌اند.

۱،۱ وجود آن حضرت در منابع عامه

بر اساس تحقیقات بعضی از پژوهشگران؛ محدثان اهل سنت احادیث مربوط به حضرت مهدی را از ۳۳ نفر از صحابه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در کتب خود نقل کرده‌اند؛ تعداد ۱۰۶ تن از مشاهیر علما و دانشمندان بزرگ اهل سنت، اخبار ظهور امام غایب را در کتاب‌های خود آورده‌اند و ۳۲ تن از آنان در مورد مهدی موعود کتابهای مستقلی را نوشته‌اند. (نک: صافی، نوید امن و امان، ۱۳۴۹ صص ۹۱ تا ۹۹). بسیاری از علمای اهل سنت احادیث مهدی را متواتر دانسته یا تواتر آن‌ها را از دیگران نقل کرده و به آن اعتراضی نکرده‌اند، هم چون ابن حجر هیثمی در کتاب الصواعق المحرقة، [مؤمن بن حسن] شبلنجی در نور الابصار، ابن صباغ [مالکی] در الفصول المهمه، محمد [بن علی الصبان، در اسعاف الراغبین، [محمد ابن یوسف] گنجی شافعی در البیان، شیخ منصور علی [ناصف] در غایه المأمول، [محمد امین بغدادی] سویدی در سبائک الذهب و جمعی دیگر... (امینی، داد گستر جهان ۱۳۸۳، صص ۳۱-۳۲).

بر اساس یک بررسی اجمالی تعداد ۱۷ تن از علمای بزرگ اهل سنت و جماعت به متواتر بودن احادیث مهدی در کتب و تألیفاتشان تصریح نموده‌اند و علامه شوکانی در مورد اثبات متواتر بودن این احادیث اثری به نام «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح»

تألیف نموده است. (رک: صافی، پیشین؛ صص ۹۱ تا ۹۹)

عسقلانی نوشته است: خبر متواتر مفید یقین است و عمل کردن به آن نیاز به بحث ندارد" (امینی، پیشین، صص ۳۱-۳۲)

بنا بر این به جرئت می‌توان گفت: "تواتر حدیث از طریق اهل سنت در باره مهدی { وجود { آن { حضرت { را قطعی و تردید ناپذیر می‌سازد چنانچه تواتر حدیث مذکور از طریق شیعه آن را از مسلمات دین اسلام می‌گرداند." (محسنی، مهدی موعود، ۱۳۸۳، ص ۸).

۱،۲ - نام و شهرت آن حضرت

در منابع اهل سنت روایات زیادی وجود دارد که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همان گونه که از لحاظ جسمی و ویژگیهای اخلاقی مانند پیامبر اسلام (ص) است، در نام و کنیه نیز شبیه آن حضرت (ص) است، چنانچه در صحیح ترمذی و منابع دیگر آمده است: «عن عبد الله قال: قال رسول الله (ص): لا تذهب الدنيا حتى يملك العرب رجل من اهل بيتي يواطى اسمه اسمي (صحیح ترمذی، ج ۹ ص ۷۴، باب ما جاء فی المهدی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۱۰۸، البیان فی اخبار صاحب الزمان ص ۵۷)؛ عبد الله از پیامبر روایت کرده که فرمود: دنیا سپری نخواهد شد تا این که مردی از اهل بیت من بر عرب حکومت کند که نامش نام من است»

امثال این گونه روایات زیاد است و دانشمندان محترم اهل سنت با اتکا به روایات این چنینی آن حضرت را با نام و مشخصات کامل معرفی نموده چنانچه محی الدین عربی از عرفای مشهور جهان اهل سنت در الفتوحات المکیه می‌نویسد: «...اگر از عمر جهان تنها یک روز مانده باشد خدای سبحان آن روز را به حدی طولانی نماید تا خلیفه‌اش از خاندان رسول الله (ص) و از فرزندان فاطمه و هم نام با پیامبر خدا (ص)، بر جهان حکمرانی کند...» (الفتوحات المکیه، باب ۳۶۶ ص ۳۲۹).

ابن صباغ مالکی مکی در کتاب خود به نام الفصول المهمه فی معرفه احوال الأئمه آورده است: «ابوالقاسم، ... الحجه بن الحسن الخالص ... کنیه‌اش ابوالقاسم و القاب او حجت، مهدی، خلف صالح، قائم، منتظر و صاحب الزمان و مشهورترین لقبش مهدی است...» (ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه فی معرفه احوال الأئمه ص ۲۲۹)

۱,۳- نسب حضرت مهدی (عج)

۱/۳/۱- مهدی از اهل بیت

موعودی که اسلام از قیام و ظهور و حکومت جهانی اش خبر داده از نسل نبی معظم اسلام است و در این مورد هیچ اختلافی وجود ندارد.

ابی داود در سنن و ابن حجر هیشمی در صواعق المحرقة آورده‌اند: علی-رضی الله عنه- عن النبی انه قال: «لولم یبق من الدهر الا یوم واحد لبعث الله رجلا من اهل بیتی یملاءها عدلا کما ملئت جورا (سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۰۷ کتاب المهدی، الصواعق المحرقة، ص ۱۶۱)؛ علی بن ابی طالب از پیغمبر روایت کرده که فرمود: اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خدا مردی از اهل بیت مرا بر می‌انگیزد تا دنیا را سرشار از عدل و داد کند در حالی که از ستم پر شده است».

سنن ابن ماجه نیز آورده است: «عن ابی هریره قال: قال رسول الله (ص): لو لم یبق من الدنیا الا یوم لطولہ الله عزو جل حتی یملک رجل من اهل بیتی یملک جبل الدیلیم و القسطنطنیه (سنن ابن ماجه، کتاب جهاد حدیث شماره ۲۷۷۹)؛ اگر از دنیا جز یک روز باقی نباشد خدای عزوجل آن روز را طولانی می‌گرداند تا مردی از اهل بیتم به حکومت رسد و ارتفاعات دیلم و قسطنطنیه را در اختیار گیرد».

شیخ محمد عبده در تفسیر المنار می‌نویسد: «خاص وعام می‌دانند که در اخبار و احادیث ضمن شمردن علایم قیام قیامت آمده است که مردی از اهل بیت پیامبر خروج می‌کند که نام او مهدی است او زمین را پس از آن که از جور و بی‌داد آکنده باشد از عدل و داد آکنده می‌سازد» (عبده، تفسیر المنار، ج ۶، ص ۵۷).

۱,۳,۲- مهدی از نسل علی و فاطمه

در بسیاری از منابع عامه آمده است که آن حضرت (عج)، از نسل ریحانه پیامبر (ص) فاطمه صدیقه و حضرت علی علیهما السلام است.

بسیاری از کتب معتبر اهل سنت این حدیث را از پیامبر نقل کرده‌اند: «عن ام سلمه (رضی الله عنها) قالت: سمعت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) یقول: المهدی من عترتی من ولد فاطمه؛ (ام المؤمنین) ام سلمه (رض) گفته است: از پیغمبر (ص) شنیدم که فرمود: مهدی از عترت من و از اولاد فاطمه است» (ابی داود، سنن، ج ۲ ص ۲۰۷، کتاب المهدی، ابن ماجه،

سنن، ج ۲ ص ۵۱۹، باب خروج المهدي، الصواعق المحرقة، ص ۱۶۱).
ابن ابی الحدید معتزلی (از شارحان نهج البلاغه) در شرح این جمله امام علی علیه السلام که می فرماید: "بنا یختم لابکم" میگوید: «این گفته اشاره به مهدی است که در آخر الزمان ظهور می کند و بیشتر محدثان بر آنند که وی از فرزندان فاطمه می باشد و پیروان معتزله این نظر را انکار نمی کنند بلکه در کتاب های خود به بیان آن تصریح کرده و اساتید و بزرگان نشان به این امر اعتراف نموده اند.» (رک: عسکری، الامام المهدي الموعود المنتظر عند اهل السنه، ج ۱ ص ۱۶۴).
کمال الدین محمد بن طلحه شافعی، در کتاب مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول می نویسد: «مهدی، از فرزندان بتول طاهره است که پاره تن پیامبر (ص) می باشد و مولدش در سامرا در بیست و سوم رمضان سال ۲۵۸ ق. اتفاق افتاد پدرش الحسن الخالص و مادرش ام ولد بود که به نام صیقل یا حکیمه معروف بود» (ابن طلحه شافعی، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، باب ۱۲). و در بیانیه (پاسخنامه) «رابطه العالم الاسلامی» - مرکز مهم وهابیت در عربستان - نیز در معرفی مهدی آمده است: «مهدی، محمد بن عبدالله حسینی، علوی، فاطمی است و او مهدی موعود منتظر است» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۷، مهدی انقلابی بزرگ).

۱،۳،۳ - مهدی از نسل حسین

اکثر قریب به اتفاق اهل سنت بر این اند که مهدی موعود (عج) از فرزندان امام حسین علیه السلام است و احادیثی نیز از رسول خدا (ص) در این مورد نقل کرده اند، از جمله مقدسی شافعی در کتاب "عقد الدرر" به نقل از حذیفه بن یمان آورده که گفته است: رسول خدا در جمع اصحاب سخنرانی کرد و از هر چیزی که تا روز قیامت واقع شدنی است سخن گفت سپس فرمود: «... حتی یبعث رجلا من ولدی اسمہ اسمی. فقام سلمان و قال: انه من ای ولدک؟ قال (ص): هو من ولدی هذا؛ و ضرب بیده علی الحسین؛ تا این که مردی از فرزندانم که همنام من است قیام کند. سلمان ایستاد و گفت او از کدام یکی از فرزندان شما است؟ رسول خدا (ص) فرمود: از این فرزندم و با دست خود بر حسین زد.» (مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار مهدی المنتظر ص ۴۵).

ابن قیم جوزی حنبلی می گوید: «... دیدگاه سوم: این که مهدی مردی از خاندان پیامبر و از فرزندان حسین بن علی است و در آخر الزمان - وقتی که زمین آکنده از ظلم و جور شده باشد ظهور کرده و آن را سرشار از عدل و داد می نماید که بیشتر روایات بر این قول دلالت دارد.» (رک:

عسکری، پیشین، ج ۱ ص ۲۸۹).

۱،۳،۴- مهدی فرزند حسن عسکری

عده‌ای از دانشمندان اهل سنت در کتاب‌هایشان او را دقیقاً با عنوان فرزند حسن الخالص (عسکری) معرفی نموده‌اند که به تصریح دو تن از بزرگان اهل سنت در این خصوص بسنده می‌کنیم:

۱- ابن صباغ مالکی در الفصول المهمه فی معرفه احوال الأئمه که آن را در باره ائمه دوازدهگانه شیعه نوشته است، در فصل دوازدهم ضمن نقل روایات فراوانی در باره امام مهدی، متقاعد می‌گردد که مهدی موعود همان فرزند حسن عسکری است که اکنون در غیبت به سر می‌برد که به سخن ایشان قبلاً اشاره شد. (رک: ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه فی معرفه الأئمه فصل ۱۲ ص ۲۲۹).

۲- کمال الدین محمد بن طلحه شافعی، در باب دوازدهم کتاب مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول نیز همانند ابن صباغ این امر را ابراز و اظهار نموده است: «مهدی... پدرش الحسن الخالص و مادرش ام ولد بود که به نام صیقل یا حکیمه معروف بود» (کمال الدین محمد بن طلحه شافعی، در کتاب مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، باب ۱۲).

۱،۳- ولادت مهدی

در مورد مسأله ولادت حضرت مهدی نه تنها میان شیعه و سنی که در دایره‌ی علما و نویسندگان اهل سنت نیز اختلاف وجود دارد.

اکثر صاحب نظران آن‌ها می‌گویند که مهدی که موعود اسلام و مصلح آخر الزمان است تا اکنون متولد نشده و بعداً متولد خواهد شد و دلیل آن‌ها بر این ادعا، بعد عقلی عمر دراز آن حضرت و عدم نیاز به غیبت طولانی آن جناب است که در این نوشتار جای پرداختن به رد این مسائل نیست.

اما با این حال افراد زیادی از مورخان، محدثان و دانشمندان صاحب آثار اهل سنت تولد آن حضرت را در تألیفاتشان گزارش نموده و آن را یک واقعیت دانسته‌اند، چنان چه مرحوم شیخ نجم الدین عسکری، اسامی چهل تن از علما و دانشمندان اهل سنت را در کتابش ذکر نموده که هریک از آنها در کتبشان به ولادت آن حضرت اعتراف کرده‌اند (عسکری، پیشین، ج ۱، ص

۲۲۰) و بعضی از متبعین بزرگ دیگر بیش از صد نفر از آنان را در آثارشان معرفی کرده‌اند. (رک: فقیه ایمانی، ۱۳۷۵، مهدی منتظر در نهج البلاغه، صص ۲۳ تا ۲۹) که به گفته‌ها و نوشته‌های برخی از آنها به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

۱- عبد الوهاب شعرانی در کتاب «المواقیت و الجواهر» در باب اموری که پیش از قیامت کبری واقع می‌شود سخن می‌گوید و از جمله چنین بیان می‌دارد: «از جمله اموری که باید قبل از قیامت اتفاق افتد خروج مهدی است که آن بزرگوار فرزند امام حسن عسکری است و تولد او شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ می‌باشد و او باقی است تا با عیسی بن مریم جمع شود» (شعرانی، المواقیت و الجواهر، مبحث ۶۵).

۲- محمد بن شحنه حنفی در «روضه المناظر» نوشته: و برای امام حسن عسکری فرزندی به دنیا آمد ... که بدو مهدی و قائم و حجت و ... گفته می‌شود و تولد او در سال ۲۵۵ اتفاق افتاده است «بن شحنه حنفی، روضه المناظر فی اخبار الاوائل و الاواخر، ج ۱، ص ۲۹۴).

۳- کمال الدین محمد بن طلحه شافعی، در کتاب مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول می‌نویسد: «مهدی، ... مولدش در سامرا در بیست و سوم رمضان سال ۲۵۸ هجری قمری اتفاق افتاد ...» (ابن طلحه شافعی، مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، باب ۱۲).

۴- شیخ سلیمان حنفی قندوزی، در «ینایع الموده» نگاشته: «نزد افراد مورد اعتماد محقق و مسجل است که ولادت قائم، در شب پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ در شهر سامراء انجام پذیرفته است» (حنفی قندوزی، ینایع الموده، ص ۴۵۲).

۵- ابن صباغ مالکی در کتاب خود آورده است: «ابوالقاسم، ... الحججه بن الحسن الخالص، شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه. ق. در شهر سامرا به دنیا آمد ...» الفصول المهمه ص ۲۲۹/

۱،۴- ظهور مهدی

در بین فرق و مذاهب اسلامی در این مورد اختلافی وجود ندارد که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از ظهور شخصی در آخر الزمان خبر داده که او را مهدی (عج) می‌گویند و همانام آن حضرت است و با تشکیل دولت و حکومت فراگیر جهانی آیین و قوانین الهی اسلام را در سطح جهان انتشار می‌دهد و سراسر گیتی را پر از عدل و داد می‌نماید.

در سنن ابن ماجه (یکی از صحاح سته اهل سنت) به نقل از عبد الله آمده است که رسول

خدا (ص) فرمود: ما اهل بیتی هستیم که خداوند برای ما آخرت را اختیار فرموده و اهل بیت من پس از من گرفتاری و تبعید (تشریدا و تطریدا) را می بیند... تا این که بیرق‌های سیاه را به مردی از اهل بیت من می دهند، او زمین را پر از عدل و داد می کند چنان چه که آن را از ظلم و جور پر نموده بودند هر کسی از شما او را درک کرد باید نزد او بروند (و با آنان باشند) (سنن ابن ماجه، حدیث شماره ۴۰۸۲ کتاب الفتن به نقل از: محسنی، ۱۳۸۳، مهدی موعود، ص ۷۸).

احمد ابن حجر هیثمی شافعی در کتاب خود به نام الصواعق المحرقة از ابوالحسن امری چنین نقل می کند: اخبار متواتر فراوان از پیامبر (ص) نقل شده که سر انجام مهدی ظهور می کند و او از اهل بیت پیامبر است و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد (ابن حجر، الصواعق المحرقة، ص ۹۹).

دانشمندان محترم اهل سنت نیز، با توجه به حجم و اسناد این گونه روایات و احادیث شریفه، مضامین و محتوای آن‌ها را تأیید و بدان‌ها اعتراف نموده‌اند؛ چنانچه محی الدین عربی از عرفای به نام اهل سنت در کتابش می نویسد: «آگاه باش خداوند ما را یاری گرداند که پروردگار را خلیفه‌ای است ظهور می کند در حالی که زمین پر از ظلم و بیداد شده باشد و اگر از عمر جهان تنها یک روز مانده باشد خدای سبحان آن روز را به حدی طولانی نماید تا خلیفه‌اش از خاندان رسول الله (ص) و از فرزندان فاطمه و هم نام با پیامبر خدا (ص)، بر جهان حکمرانی کند او در کارزار بزرگ در مرج عکا حاضر می شود، ستم و ستم پیشگان را نابود می کند و دین را بر پا داشته و جان تازه بر کالبد اسلام می دهد، اسلام - بعد از خواری - به سبب او عزیز می گردد» (ابن عربی، الفتوحات المکیه، باب ۳۶۶ صص ۳۲۷-۳۲۹).

شیخ منصور علی ناصف از علمای بزرگ و معاصر الازهر و مؤلف کتاب التاج الجامع للاصول می نویسد: «در میان دانشمندان گذشته و امروز مشهور است که در آخر الزمان به حتم و یقین مردی از اهل بیت پیامبر که نام او مهدی است، ظهور خواهد کرد، او بر همه کشورهای اسلامی تسلط خواهد یافت، مسلمانان همه پیرو او خواهند شد او در میان آنان به عدالت رفتار می کند و دین را قوت می بخشد، آنگاه دجال پیدا می شود، عیسی مسیح از آسمان فرود می آید و دجال را می کشد، یا با مهدی در کشتن دجال همکاری می کند. سخنان و احادیث پیامبر (ص) را در باره مهدی، جماعتی از نیکان اصحاب پیامبر (ص) روایت کرده‌اند. محدثان بزرگی مانند: ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، ابویعلی، بزاز، امام احمد حنبل و حاکم نیشابوری آن احادیث را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند» (ناصر، التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۱۰).

خلاصه با نگاهی هر چند گذرا به مجموع گزارش‌ها و گفته‌های دانشمندان و نویسندگان اهل سنت می‌بینیم که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) خود اولین کسی بود که ظهور امام مهدی را به مسلمانان مژده داد تا آن جا که بیش از ۵۱ روایت از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فقط در کتب علمای اهل سنت نقل شده که در مورد امام مهدی سخن می‌گویند و همان گونه که علمای شیعه قبل از ولادت این امام کتابهایی را در باره او تألیف کرده‌اند، یکی از علمای اهل سنت نیز کتاب ویژه‌ای را در مورد این امام در سال ۱۲۷ ه.ق. قبل از ولادت امام مهدی نگاشته است و نیز علاوه بر شیعیان امروزه بسیاری از علمای اهل سنت در کتاب‌های خود اعتقاد به امام مهدی را جزئی از عقاید اسلامی ثابت یاد می‌کنند (مدرسی، ۱۳۸۲ پیشوایان صدیقین، ص ۷۰).

چنانچه "رابطه العالم الاسلامی" - مرکز مهم وهابیت در عربستان - با آن که یکی از تند رو ترین گروه‌ها در ضدیت با شیعه است در بخش از بیانیه‌شان آورده است: «... اعتقاد به ظهور مهدی (بر هر مسلمان) واجب است و از عقاید اهل سنت و جماعت است و جز افراد نادان و بی اطلاع از اسلام و بدعت گذار، کسی منکر آن نخواهد بود» (مکارم شیرازی، مهدی انقلابی بزرگ).

۲- حضرت مهدی (عج) در نگاه تشیع

ایمان به امام زمان (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) مکمل ساختار اعتقادی شیعه می‌باشد، هم چنان که اگر هوا پیمایی در حال پرواز باشد و در یکی از بالها یا موتورهای خود با مشکل یا اختلالی مواجه گردد نمی‌تواند با نادیده گرفتن آن مشکل به پرواز خود ادامه دهد و یا شخصی که به زکات، خمس و حج ایمان دارد ولی به نماز ایمان ندارد کافر به شمار می‌آید؛ (زیرا فاقد یکی از اجزاء اصلی منظومه ایمان است ...) هم چنان کسی که به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایمان نداشته باشد، مشکل بزرگ و اختلال ژرفی در یکی از ارکان اساسی ایمان خود دارد و به همین خاطر خداوند او را یاری نمی‌نماید. (مدرسی، پیشین، صص ۷۰ تا ۷۱).

در ذیل نمونه‌های از روایات منابع شیعی و نظریات برخی از اندیشمندان و رجال شهیر این مکتب را پیرامون وجود مقدس حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان می‌کنیم.

الف- نام و شهرت آن حضرت

در روایات فراوانی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که موعود آخر الزمان همانم آن حضرت (ص) است، چنان چه «کمال الدین» و «بحار الانوار» از کتب حدیثی بزرگ شیعه نقل می‌کنند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «القائم من ولدی، اسمه اسمی، کنیته کنیتی و شمائله شمائلی و سنته سنتی ...» (صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۲۲، مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۳) قائم یکی از فرزندان من است، نام او نامم و کنیه‌اش کنیه من است، سیمای ظاهری و سیره‌اش سیره من است.

براساس این روایات و نظایر آن، اسم آن حضرت اسم حضرت پیامبر است اما «روایات زیادی در مورد نهی از بردن نام آن جناب (عج) وارد شده است (لذا) احتیاط واجب آن است که اسم ایشان را نبرند و ایشان را به القاب خاص او یاد کنند» (محسنی، پیشین، ص ۷۱). علامه مجلسی در معرفی آن امام بزرگوار عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌گوید: «در اسم و کنیت، با رسول خدا موافق است و در زمان غیبت اسم آن جناب را مذکور ساختن جایز نیست و حکمت آن مخفی است و القاب شریفه آن جناب؛ مهدی و قائم و منتظر و حجت و صاحب است» (مجلسی، ۱۳۷۴، تاریخ چهارده معصوم (جلاء العیون)، ص ۱۰۰۰).

نسب حضرت مهدی (عج)

سلسله نسب مبارک آن حضرت (عج) در مکتب شیعه، کاملاً روشن و واضح بیان گردیده که آن حضرت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و از طریق ده امام معصوم به علی و فاطمه علیهما السلام و به پیامبر گرامی اسلام متصل است که با نمونه‌هایی از روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، در زمینه تمسک و تبرک می‌جوئیم:

۲،۲،۱- مهدی از اهل بیت

عن علی ابن ابی طالب علیه السلام، قال: قلت یا رسول الله! أمنا آل محمد المهدی ام من غیرنا؟ قال رسول الله (ص): لا بل منا؛ یختم الله به الدین كما فتح بنا و بنا ینتقدون من الفتن كما انقذوا من الشرک و بنا یؤلف الله بین قلوبهم بعد عداوه الفتنه اخوانا كما الف بینهم بعد عداوه الشرک اخوانا فی دینهم مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۳، ح ۳۴، باب ذکر علامات قیام القائم. علی بن ابی طالب (علیه السلام) می‌فرماید: خدمت رسول

اکرم (صلی الله علیه و آله) عرض کردم آیا مهدی موعود از ما خواهد بود یا از غیر ما؟ رسولخدا (صلی الله علیه و آله) پاسخ داد: از ما خواهد بود. خدا دین را به دست مهدی ختم می‌کند چنان که افتتاحش به دست ما صورت گرفت، به دست ما از فتنه‌ها رها شوند چنان که به دست ما از شرک نجات یافتند، خدا به برکت وجود ما کینه‌های ایام فتنه را از دل آن‌ها زایل می‌کند همان گونه که بعد از دشمنی‌های ایام شرک و بت پرستی، دل‌هایشان را به هم مهربان کرد و در دین برادرشان گردانید.

۲,۲,۲- مهدی از نسل علی و فاطمه

«عن ام سلمه (رضی الله عنها) قالت: سمعت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) يقول: المهدی من عترتی من ولد فاطمه» طوسی، الغیبه، ص ۱۸۵، مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۵، باب ما ورد من اخبارالله و اخبار النبی بالقائم؛ ام سلمه (رض) گفته است: از پیغمبر (ص) شنیدم که فرمود: مهدی از عترت من و از اولاد فاطمه است.

۲,۲,۳- مهدی از نسل امام حسین

از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نقل شده که به فرزندش امام حسین علیه السلام فرمود: هنگامی که تو را بزادم، پدرم رسول خدا (ص) بر من وارد شد و تو را در بغل گرفت سپس فرمود ای فاطمه! حسینت را بگیر و بدان که او پدر نه امام است و از نسلش امام‌های صالحی به وجود خواهند آمد که نهمی آن‌ها قائم است. (حرعاملی، اثبات الهداه، ج ۲، ص ۵۵۲).
و از سبط اکبر پیامبر (ص) حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) نیز نقل شده که فرمود: امام‌های بعد از رسول خدا (ص) دوازده نفرند، نه نفرشان از نسل برادرم حسین به وجود می‌آیند و مهدی این امت از ایشان است. (همان، ص ۵۵۵).

۲,۲,۴- مهدی از نسل امام کاظم

حضرت امام موسی بن جعفر کاظم علیه السلام در پاسخ یونس بن عبد الرحمن که پرسیده بود: آیا تو قائم به حق هستی؟ فرمود: من قائم به حق هستم ولی آن قائمی که زمین را از وجود دشمنان خدا پاک و از عدل و داد پر می‌کند پنجمین فرزند من است، چون بر جان خویش ترسان است مدت طولانی غایب می‌گردد، در عصر غیبت گروهی از دین خارج می‌شوند و عده‌ای در

عقیده خود پایدار می‌مانند... (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۱، باب ماروی عن ابی الحسن موسی بن جعفر الکاظم علیه السلام).

۲,۲,۵- مهدی فرزند حسن عسکری

از امام علی النقی الهادی (علیه السلام) نقل شده که فرمود: بعد از من فرزندم حسن (عسکری) امام است و بعد از حسن فرزندش همان قائمی است که عدل و دادش تمام زمین را فرا می‌گیرد. (حر عاملی، اثبات الهداه، ج ۶، ص ۲۷۵).

۲,۳- ولادت مهدی

شیعه بر این باور است که آن بزرگوار به دنیا آمده و اکنون به خاطر مصالحتی در پشت پرده‌ای غیبت قرار دارد و هرگاه خدای بزرگ جلت عظمته اراده و اجازه فرماید ظهور نموده دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد.

قضیه ولادت آن حضرت به نقل از شخص امام حسن عسکری و برخی از اعضای خانواده و اصحاب سر آن جناب در منابع فراوان، به صورت دقیق همراه با جزئیات آن ذکر و ثبت گردیده است، شیخ مفید رحمة الله علیه از دانشمندان مشهور جهان تشیع در زمینه می‌گوید: «خبر ولادت مهدی علیه السلام را عده‌ای زیادی از متدینین و اهل تقوا و پارسا پیشه و اهل فقه از حسن بن علی العسکری علیه السلام شنیده‌اند که او اعتراف کرده است به ولادت مهدی (عج) و اعلان کرده است وجود مبارک او را و تصریح به امامت او بعد از خودش نموده است و نیز گزارش مشاهده او در طفولیت به ما رسیده است و بعضی نیز در جوانی او را دیده‌اند که بعد از پدرش امام حسن عسکری (ع) اوامر و نواهی و جواب مسائل شیعیان توسط او انجام گرفته و سهم‌های امام را از اصحابش دریافت می‌کرده است» (مفید، الفصول العشره، ص ۵۹).

۲,۳,۱- زمان و مکان ولادت

طبق قول مشهور در میان مورخان و دانشمندان شیعه، آن حضرت در جمعه پانزدهم شعبان المعظم ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامرای عراق به دنیا آمده است، علامه مجلسی در جلاء العیون آورده است: «اشهر در تاریخ ولادت آن جناب آن است که در دویست و پنجاه و پنجم هجرت واقع شد و بعضی پنجاه و شش و بعضی پنجاه و هشت نیز گفته‌اند و مشهور آن است که

شب ولادت، شب جمعه پانزدهم ماه شعبان بوده ... و به اتفاق ولادت آن حضرت در سرمن رأی واقع شده» مجلسی، تاریخ چهارده معصوم (جلاء العیون)، ص / ۱۰۰۰

۲،۳،۲- مخفی بودن ولادت

از امور قابل توجه در مسأله ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پنهانی بودن این قضیه از دید عامه مردم و دستگاه حاکمه زمان می باشد به گونه ای که امام حسن عسکری این یگانه فرزند عزیزش را جز به افراد ویژه و قابل اطمینان و اعتماد نشان ندادند چنان چه مرحوم شیخ مفید در ارشاد می گوید: «... ولادت آن حضرت در پنهانی انجام شد و در کمال خفاء نشو و نما کرد زیرا روزگار سختی بود و خلیفه وقت به شدت در جستجوی آن فرزند بود و تلاش و کوشش زیادی برای اطلاع از وضع آن حضرت می کرد به خصوص این که در مذهب شیعه امامیه آمدن آن بزرگوار شایع شده بود و می دانستند که همگی چشم انتظار او هستند از این رو آن حضرت (امام حسن عسکری) فرزند مسعود خود را در حال حیاتش آشکار نفرمود و بیشتر مردم، پس از وفات آن حضرت (امام حسن عسکری) نیز او را نشناختند» (شیخ مفید، الارشاد ص ۳۲۶).

۲،۴- غیبت حضرت مهدی

مسأله غیبت آن حضرت در مذهب شیعه امامیه از امور مسلم و قطعی است که روایات زیادی از طریق اهل بیت بر آن صراحت دارد و حتی در برخی از منابع اهل سنت نیز به متواتر بودن حدیث غیبت تصریح نموده اند و نعمانی - از علمای عامه - کتابی با عنوان «الغیبه» تألیف نموده است (رک: نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۰).

در پی به چند حدیث وارده از طریق اهل بیت (ع) در این مورد اشاره می گردد:

۱- قال الحسين بن علی علیه السلام: قائم هذه الامه هو التاسع من ولدی و صاحب الغیبه و هو الذی یقسم میراثه و هو حی (کامل سلیمان، یوم الخلاص ص ۱۵۰ الزام الناصب ص ۶۷)؛ قائم این امت نهمین فرزند من است و او صاحب غیبت است و او کسی است که در حال حیاتش میراث او را قسمت می کنند.

۲- امام الصادق علیه السلام: للقائم غیبتان احدهما طویله و الاخری قصیره، فالاولی یعلم بمكانه فیها خصاصه من شیعتہ و الاخری لا یعلم بمكانه الا خاصه موالیه فی دینه (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰)؛ برای امام قائم دو غیبت است یکی کوتاه و دیگری طولانی، در اولی جز خواص شیعیان (دیگر کسی) از اقامتگاه آن حضرت خبر ندارند و در غیبت دیگر جز دوستان مخصوص، از جای او با خبر نیستند. گفته شده مقصود از دوستان مخصوص، خادمان و اهل بیت آن حضرت می‌باشند.

بر اساس این گونه احادیث و نیز طبق آخرین توقیعی که از ناحیه مقدسه به آخرین سفیر (نایب خاص آن حضرت روح فدا) ابلاغ شده غیبت امام زمان به دو مرحله صورت گرفت: مرحله اول: غیبت صغری یا صغیره؛ که از سال ۲۶۰ هجری (از زمان رحلت امام حسن عسکری علیه السلام) شروع شده و تا سال ۳۲۹ (۶۹ سال) مدت امتداد آن می‌باشد. مرحله دوم: غیبت کبری یا تامه که از سال ۳۲۹ آغاز و تا وقتی که خدا بخواهد ادامه خواهد یافت.

۲،۴،۱- نواب خاص امام زمان

دوره غیبت صغری برای تشیع اثنا عشری جایگاه تعیین کننده و اهمیت ویژه‌ای داشت زیرا در این زمان وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فعالیت‌های رهبری خود را از پشت صحنه دنبال می‌فرمودند و در میان امام و مردم سفیر و واسطه مشخص وجود داشت و آن حضرت (عج)، پیروان خود را از طریق چها رنایب خاص، جهت می‌دادند. از وظایف نواب حضرت این بود که مشخصات (نام) و اقامتگاه امام عجل الله تعالی فرجه الشریف را نه تنها از بدخواهان و بداندیشان بلکه از شیعیان و پیروان ولایت نیز پنهان دارند و در عین حال موظف بودند تا وجود و امامت آن حضرت را برای شیعیان ابلاغ و اثبات نمایند. نواب خاص یا نمایندگان ویژه و برگزیده آن حضرت در دوره غیبت صغری به ترتیب نیابت و نمایندگی عبارتند از:

ابوعمر و عثمان ابن سعید عمری اسدی که نخستین وکیل مورد اعتماد حضرت مهدی (عج) بود و در سال ۲۸۰ هجری وفات یافت.

ابوجعفر محمد بن عثمان که در سال ۳۰۴ یا ۳۰۵ بدرود حیات گفت.
ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی که در سال ۳۲۰ هجری به عالم بقا شتافت.
ابوالحسن علی بن محمد سمیری که در سال ۳۲۸ یا ۳۲۹ چشم از جهان پوشید.
این بزرگواران را نواب اربعه یا سفرای حضرت مهدی می خوانند و هر یک در بغداد عراق زندگی می کردند و در همان جا دفن شده اند و مرقدهایشان معروف و مورد زیارت ارادتمندان اهل بیت عصمت و طهارت است.

با رحلت علی ابن محمد سمیری (چهارمین نایب خاص حضرت) وکالت تعیینی امام علیه السلام پایان پذیرفت و با انتهای آن مرحله غیبت صغری نیز خاتمه یافت و مرحله غیبت کبری آغاز گردید و غیبت کبری تا زمانی امتداد دارد که خداوند بزرگ به آن حضرت اذن ظهور عنایت فرماید و در این مرحله (غیبت کبری) هر کس ادعای وکالت و نیابت خاص از جانب آن حضرت بنماید دروغگو و مفتری می باشد؛ چنان چه در پیام کتبی که از سوی آن حضرت، شش روز پیش از وفات جناب علی ابن محمد سمیری (چهارمین نایب خاص آن بزرگوار) صادر گردید به این نکته تصریح گردیده است. متن کامل این پیام مبارک این گونه است: «بسم الله الرحمن الرحيم، یاعلی ابن محمد السمیری! اعظم الله اجر اخوانک فیک، فانک میت مابینک و بین سته ایام، فاجمع امرک و لا توص الی احد فیقوم مقامک بعد وفاتک، فقد وقعت الغیبه التامه فلا ظهور الا بعد اذن الله - تعالی ذکره - و ذالک بعد طول الامد و قسوه القلوب و امتلاء الارض جورا و سیأتی من شیعتی من یدعی المشاهده قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کذاب مفتر و لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم» (طوسی الغیبه، ص ۲۴۲-۲۴۳)؛ به نام خداوند گسترده مهر مهرورز؛ ای علی بن محمد سمیری! خداوند در مصیبت تو به برادرانت اجر و ثواب دهد، زیرا تو تاشش روز دیگر خواهی مرد، پس کارهایت را مرتب کن و در مورد مقام و نیابتت به کسی وصیت نکن زیرا غیبت تامه (کبری) شروع شده است و تا وقتی که خداوند اذن دهد ظهور نخواهم کرد و این امر (ظهور) پس از زمان دراز و سنگدلی مردم و پر شدن زمین از ستم اتفاق خواهد افتاد و برخی از (میان) شیعیان من ادعای دیدن مرا خواهند کرد، بدان هر کس پیش از ظهور سفیانی و صیحه (فریاد بلند) این ادعا را بکنند دروغگو و مفتری است و لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم.

۲،۴،۲ - وظایف شیعیان در زمان غیبت کبری

الف - مراجعه به علما

در زمان غیبت کبری مردم برای آگاهی از احکام و معارف اصیل دینی و شرعی‌شان باید به فقهای مجتهد و علمای عامل مراجعه نمایند و این به دستور نامه‌ی منسوب به امام (عج) است که حضرت در آن فرموده است: «...و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجت الله علیهم» (حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱)؛ و اما در رخدادهای آینده به راویان احادیث ما رجوع نمایید، زیرا آنان حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنها هستم.

۲,۵- ظهور مهدی

اعتقاد به ظهور و حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از باورهای بالنده و فاخر شیعیان مکتب اهل بیت است که ریشه در کتاب خدا و سنت ائمه معصومین دارد، در بخش اول نمونه‌هایی از احادیث منابع اهل سنت و گفتارهایی از دانشمندان آنان را در این باب مرور نمودیم و در این جا به نقل چند نمونه از روایات منابع شیعی می‌پردازیم:

شیخ طوسی و علامه مجلسی در کتبشان به نقل از رسول خدا آورده‌اند: عن ابی سعید الخدری، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: ابشرکم بالمهدی... یملا الارض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض (طوسی، الغیبه ص ۱۷۸؛ مجلسی، بحار الانوار ج ۵۱، ص ۷۴)؛ شما را به مهدی بشارت می‌دهم، او زمین را از عدل و داد آکنده می‌کند هم چنان که از ستم و بیداد پر شده باشد، ساکنان آسمان و مردم روی زمین همه و همه از او خوشنود می‌شوند.

امام صادق علیه السلام در مورد آغاز حرکت امام زمان (ع) می‌فرماید: در آن هنگام آقای ما قائم به خانه خدا تکیه می‌کند و می‌فرماید ای مردم هرکه می‌خواهد آدم و شیث را ببیند بداند من آدم و شیث هستم، هرکه می‌خواهد نوح و فرزندش سام را ببیند من همان نوح و سام ام، هرکه می‌خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند بداند من همان ابراهیم و اسماعیل ام، هرکه می‌خواهد موسی و یوشع را ببیند براند من همان موسی و یوشع ام، هرکه می‌خواهد عیسی و شمعون را ببیند بداند من همان عیسی و شمعون ام، هرکه می‌خواهد محمد و امیر المؤمنین را - که درود خدا بر هردوی ایشان باد- ببیند بداند من همهن محمد و امیر المؤمنینم، هرکه می‌خواهد حسن و حسین را ببیند بداند من همان حسن و حسینم، هر که می‌خواهد امامان از نسل حسین را ببیند بداند که

من همان امامان ام، دعوتم را بپذیرید و نزد من جمع شوید و هر چه را (آنان) گفته و هر چه را نگفته‌اند به شما خبر می‌دهم. (مجلسی، بحار الانوار ج، ۵۳، ص ۹).

امام باقر علیه السلام در مورد مقرر حکومت و پایتخت دولت جهانی آن حضرت و چگونگی برخورد او با قشر ناتوان و تهی دست جامعه‌اش می فرماید: «جایگاه او در کوفه است، هیچ برده‌ای مسلمانی را و او نمی‌نهد مگر این که او را می‌خرد و آزاد می‌سازد و هیچ قرض داری را مگر این که وام او را می‌پردازد و هیچ مظلومه‌ای از مردمان را؛ مگر آن که آن را به صاحبانش بر می‌گرداند ... او به همراهی خاندانش در رحبه (قریه‌ای نزدیک شهر کوفه) سکونت می‌کند. آن جا زمینی پاکیزه است که نوح در آن جا مسکن داشته است ...» (مجلسی، بحار الانوار ج، ۵۳، ص ۹).

بنا بر این مسأله ظهور و حکومت عدل آن امام همام و دادگستر جهان، از مسلمات مذهب شیعه است که بسا با جزئیات آن از طریق اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده و در منابع و متون این مکتب ذکر گردیده است.

نتیجه

از آن چه از آغاز این نوشتار تا این جا گفته آمدیم به خوبی روشن گشت که اعتقاد به مهدویت و مصلح عالم بشریت از عترت و اهل بیت پیامبر معظم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، بر خلاف القانات مغرضانه برخی از مستشرقان و مستغربان - که آن را ناشی از فشارهای سیاسی ای عنوان می‌کنند که حکومت‌های بنی امیه و بنی عباس بر شیعه پدید آوردند و شیعه ناگزیر برای کاهش از شدت دردها و فشارهای روحی روانی مسأله مهدویت و قضیه منجی آخرالزمان را علم نمودند، - موضوعی است اسلامی که همه مسلمانان با وجود اختلاف مذاهب بر آن متفق هستند و همه‌ی فرق و مذاهب اسلامی بر این عقیده و باورند که سرانجام ابر مردی از تبار رسول رحمت و رأفت (ص) در برابر کژی‌ها و کج روی‌ها و بیدادگری‌ها قد علم نموده جهان را سرشار عدل و داد می‌نماید، چنان چه احادیثی از منابع فریقین (شیعه و سنی) و سخنان شماری از دانشمندان و پیشکسوتان مذاهب مختلف اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی و وهابیت) و گفتارهایی از دانشمندان و محققان شیعی برای اثبات این مطلب به نگارش آمد.

گرچه به خوبی می‌دانم که طی این اوراق محدود و معدود آن چنان که باید حق مطلب و

موضوع را ادا نکرده‌ام ولی امید وارم که در حد خود مؤثر و مثمر قرار گرفته محرکی گردد برای پژوهش‌های گسترده و جامع دیگر.

در پایان دست به آستان خداوند بزرگ بلند نموده از ژرفای وجود، سلامتی وجود مقدس مولا (روحی فداه) و تعجیل ظهور آن حضرت و درک دولت کریمه‌اش را استدعا می‌نمایم.

یارب آن یوسف گم گشته به من باز رسان!

تا طرب خانه کنی بیت حزن باز رسان!

ای خدایی که به یعقوب رساندی یوسف

این زمان یوسف من نیز به من باز رسان!

اللهم عجل لولیک الفرج و اجعلنا من خیر اعوانه و انصاره و من المستشهدین بین یدیه.

کتابنامه

- ۱- ابن عربی، محی الدین، محمد بن علی، الفتوحات المکیه، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بی تا.
- ۲- ابن حجر الهیتمی المکی، احمد، الصواعق المحرقة، مكتبة القاهرة، بی تا.
- ۳- ابی داوود السجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، قاهره، دار ابن الجوزی، بی تا
- ۴- ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دار الجبل، ۱۴۱۸ ق.
- ۵- امینی، ابراهیم، داد گستر جهان، قم، شفق، اول، ۱۳۸۳.
- ۶- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، قاهره، دارالحديث، ۱۴۱۹ قمری.
- ۷- صافی، لطف الله نوید امن و امان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۴۹.
- ۸- صدوق، ابی جعفر محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیه، چ دوم ۱۳۹۵ ق.
- ۹- عبده، محمد، تفسیر المنار، الناشر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۰ م
- ۱۰- فقیه ایمانی، مهدی، مهدی منتظر در نهج البلاغه، اصفهان، کتابخانه امیر المؤمنین علی علیه السلام.
- ۱۱- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، قم، دار الاسوه لل طباعة والنشر، ۱۴۲۲ ق.
- ۱۲- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۳.

اصل قانونی بودن جرم و مجازات در نظام حقوقی و قضایی اسلام □ ۱۷۳

۱۳- مجلسی، محمدباقر، تاریخ چهارده معصوم (جلاء العیون)، انتشارات سرور، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ه. ش.

۱۴- محسنی، محمد آصف، مهدی موعود، ۱۳۸۳، بدون مشخصات کتابشناسی.

۱۵- مدرس، محمد تقی، پیشوایان صدیقین، امام زمان (عج) آرزوی بشریت، ترجمه انتصار شوشتری زاده، تهران، انتشارات محبان الحسین، چاپ سوم، پاییز ۱۳۸۲.

۱۶- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار مهدی المنتظر، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چ سوم، ۱۴۲۸ ق

۱۷- مکارم شیرازی، ناصر، مهدی انقلابی بزرگ، قم، انتشارات هدف، ۱۳۵۷.

۱۸- ناصف، منصور علی، التاج الجامع للاصول، قاهره، ط ۲، دار احیاء الکتب العربیه، بی تا.

۱۹- نجم الدین عسکری، الامام المهدی الموعود المنتظر عند اهل السنه، تهران، مؤسسه الامام المهدی، چ اول، ۱۳۶۰.

نصیبی، کمال الدین محمد بن طلحه شافعی، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، بیروت، مؤسسه البلاغ، چ اول، ۱۴۱۹ ق.

